

جای اداره کتبا

مدیر - علامتین کتانی

مکاتبات و مکاتیب  
باید بعنوان ذیل باشد

فوسن - جنگل

براه چهارمربع و توزیع خواهد

گت نمره هفت شاهی

# کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوامع و اعلانات  
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا  
و عنوان پذیرفته نمیشود

در اشراک بگذرد نمره در رفت

قیمت اشراک

یکماه هفتاد

بنا بر یکشنبه شانزدهم صفر ۱۳۳۶

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منظور افکار اسلامیان است

## افسوس انگلیس در رشت

در سئله ورودت سالدات روس در انگلیس و درج  
آنها که در شماره قبل بعرض قارئین رسانیدم قبول  
انگلیس این جمله فخر را که معنی مفصلی از او استنباط  
میشود در یک مقام رسمی اظهار نمود که (اگر ما بودیم  
قشون خود را خارج نمیکردیم) این بیان  
محل خایل بار تا یک اندازه از تجسس حقیقت امر  
راحت نموده و کاشف شد که اقدام خائانه محاربه  
السلطان و اخیراً اجماع جابلان چند نفر مردم بخیر  
ناوان از مبداء بوده و دست گیت که این  
بمه باقتشاش مملکت ما کوشش و سعی دارد  
واضح شد که باز هم آن کسانیکه راحت و آسایش  
از تمام جنبش بشری بلب نموده اند همانها گیلان را  
که بجای معین دارایی امنیت است میخواهند درجا  
قل و غارت و خرابی نموده و در رویت نقاد و  
قرار دهند.

همان انگلیس های مکار انگلیس های غدار و  
انگلیس های خوشگند.

بلی انگلیس آن ملتگی که خود را رب النوع غوث و  
کامرانی تصور کرده علت طغیت و موجودیت  
تمام سرادامی مختلفه عالم را که تمامی جنبش آنها مبتد  
برای استخدام و استقاوه نوع خود میدهند مالاخره  
همان ساکنین جزیره بریطانی که غیر از سرادامی انگلو  
ساکسن (بویک از بی نوع انسان را در کرده  
ارض مستحق تعیش نمیدانند.

همان غدارانیکه چون سیاست مزدوران را در  
کف گرفته طبل عالم را چون گومی بر طرفیکه مایلند  
پر تاپ میکنند.

همان قومی که پس از تسلط بر ممالک وسیع  
زرخیزند وستان و مصر و نیما و چپاول سکنه  
آن نواحی و قطعات مستحکم دیگر خود در این  
فکر بوده و هستند که فرمول مسلکی خود را که  
(شروت کرده ارض متعلق با انگلیس است) بموقع  
اجرا کرده باشند بصرف ممالک دیگر عالم فرمانروا  
خود را در ممالک متصاحبه ثابین نموده و دیگرگان  
آز و طمع احتمالی رقبای اروپائی خود را از آن

نقطه منطف سازند

بالجمله همان مطلق که بواسیل فتنه حربان خود را  
برخی بعنوان اتحاد و جمعی را باخاصه فرسوده نمود  
امروز بدون مانع متوجه ایران فلاکت دیده  
گردیده خیالی را که سالها موفق باجرانی آن  
نشدند اکنون بدون موانع خارجی در مقام اجرا

هستند

در مین کشاکش و سرگرمی دول عالم موقوف را  
مستقیم داشته بکمال سرعت در مقام بلع ملکیت  
با و محو استقلال برآمده میخواهند بر اثر نیز مثل  
هندوستان نمایند ، میخواهند مار نیز بنده و  
برده خود قرار دهند .

دولت انگلیس قبل از مشروطیت ایران که  
پلیک مجملانه اش در مقابل نفوذ همسایه شمالی  
درجات نازل را واجد بود رفتارشن با ایران  
ظاهر از روی صلح و مسالمت بوده و در آغاز  
مشروطیت با هم حمایت از ملت احساسات  
عاطمه را بخود جلب کف و بهین اظهار مساعدت  
دروغی در انجام مقصود خود موفقیتی حاصل نمود  
و مردم ایران غافلانه او را دوست و حامی  
تصور می نمودند و در عین اظهار حمایت دولت  
متبده روس معاهده میثونه ۱۹۰۷ را منعقد  
و با هم منطقه نفوذ ملکیت قدیم ایران را تقسیم  
نموده و برای اینکه باز هم ایران را بیفعلت  
نگاه داشته و خود را در نظر ایرانیان دوست  
و حامی جلوه دهد روسیه را بظاهر مافی تقسیم  
و تجزیه ایران در انظار جلوه گرفت و از  
همان اوقات بدبختیهای فوق التصور ملت

ایران شروع شد و دولت متبده روس نیز  
بجریک باطنی انگلیس و خالتهای مالکانه از شمال  
ایران شروع کرده تقریباً قطعات شمال  
ایران را از وایره حکمرانی دولت ایران خارج  
اجرا و از باسیان و کیلان را مسلوب و  
متفرق و کرد و آنچه را نیز که ذکرش همان  
تکرار مکررات است همه دیده اند و میدانند  
این یک سلسله بدبختی و فلاکتی که با فساد  
انگلیس با دست روسیه متبده برای ما بنیه  
گردیده بود و بنصف النهار شدت رسیده  
و همه ایرانیان را در فشار طاقت فرسای خود  
گنهداشته و ایران نیمه نفس در چنگال آنها  
دست و پامیزد تا جنگ اروپا شروع شد

دولت روس با برای سرگرمی خود  
با روپا یا بجباتی دیگر تقریباً تا میلی بر احوت و  
آسایش ایرانیان و تحلیه ایران از قشون  
خود بیدانموده ولی تحریک انگلیس مکار بعلاوه  
اینکه نگذاشت ایران را بجال خود بگذارد  
و بیطرفی او را محترم شمارد و مجدداً روسیه را او  
و اربسوق قشون در ایران نمود خود هم زنیال  
ساکس را با یک عده از قشون هندوستان  
بجنوب ایران اعزام کرد خرابیهای امروزه که  
هر نظاره کننده را مضطرب و متوحش نماید  
از اثر شامت و ملغتهای این دولت فرور  
ظالم است .

چه تقاضاهای نامشروعی راجع بکنترل  
مالیه و تسلیلات نظامی و سایر ترتیبات  
نگین که نمودند و چه فشارها یکدیگر نیارود ؟

در این بین رژیم پوسیده استبداد روس  
 سرنگون شد ملت نجیب روسیه که مانند  
 ایرانیان در شکنجه ظلم معذب بودند با عجز  
 باز ملت ستمدیده ایران را برادری دعوت  
 کرده دولت انگلیس فهمید که ملت نجیب روس  
 لذت آزادی و اخوت را داشته و نوزدهمی  
 فرورانه او کوشش نمیدهند خود شروع بجای  
 کرده و یک عده از پیمان ایرانی را تملیس  
 خوب مسلح نموده و با همین توه مسلمانان  
 و خرابی جنوب ایران مشغول هنوز هم مشغول  
 بقتل و غارت و اقداماتی هستند که قلب  
 انسان منصفی از تصور آن حیرت دارد.

اهالی جنوب از گرسنگی جان میدهند غله و  
 آذوقه آنها را انگلیسها در انبارها توقیف و  
 ضبط کرده صرف خود مینمایند.

بازمانها اکتفا کرده بوقلمون و اربر  
 لحظه رنگی مخصوص ظاهر نموده میخواهند بکلی  
 ایران و برانیت را محو و نابود سازند.  
 آیا باز هم ملت روسیه و غابازی و بر  
 انگلیس را خورده و آلت اجرای خیالات او  
 میشود.

در این جانا چاریم قدری مامل کرده و جمع  
 بجا داشت امروزه روسیه تا نیم افوس که  
 منظره انف آور روسیه ما را میخواهد بیاس  
 حرمان مصادف کند حوادث فعلی روسیه  
 انگلیسها را اطمینان میدهد که از فاد و تریکات  
 خود منصرف شوند.

تونسول انگلیس از این جمله چه اراده کرده

مقصودش فریب چه کسانی بود لازم توضیح  
 نیست که برای تحریک و تشجیع و زینتن نامه  
 یزدگان و نظامیان دولت آزاد روس  
 است که آنها را با زرم مثل اوقات و کبریت  
 فرار داده بنحاصه با ایرانیها و داشته از  
 فرسودگی هر دو طرف مفتح کردند.

وقت کار فرمایان دموکراسی روسیه را  
 باین نکته معطوف میدارم که عموم انگلیسها از  
 از رئیس الوزرای آن مملکت تا پارلی نامور که  
 در هر نقطه از نقاط ربع مستکون توقف و توجیه  
 دارند مجال است بقدر ذره با هیچ طایفه و قومی  
 مطابق حقیقت در راستی رفتار نموده از  
 و مکاری خود واری کنند.

هنوز انگلیسها امید دارند که بهر سرنگی باشد  
 میشوند تا دیر زمانی هم خلق دنیا را با قسام  
 مختلفه آلت نموده و بالاخره بنا توانی همه توانا  
 خود را تحکیم نمایند.

هنوز بگرنگی و آن کسانیکه با بعضی تفریح  
 خیالات در بار لندن مینهند و گمراهی دارند  
 هنوز از عظمت و جهالت دیگران باور  
 نشده اند.

همچنانیکه مادر کوشه جنگل در همه حال نظری  
 عمیق مراقب حرکات و عملیات خلاف  
 انسانیت آنها هستم نظرم شامم گاملا نیست  
 سوء آنها پی برده میش از این باوشما و فرود  
 فدای پلینک خدا را از برطانی نمایند.

اگر بعضی از ارادول و بیشتر خان ایرانی بطبع  
 و تهدید بازر روی بی خبری مجری پلینک شماره

انگلیس شوندگان نکنید که این ظایف در میان ملت ایران اکثریتی را واجد باشند بلکه آنها عده قلیلی هستند که بدانت پستی فقط و نوکری با جانب معرّفی کرده منفور عامه میان اکثریت ناخدی سبق کرده اند که دولت انگلیس موهلا ساره را اولین پرگرام عملی است برحانه خود فرار داده سکوت و سکوت است. از اینها در مقابل حق شکنیهای انگلیس برای توقف شمار ایران در فریب خوردن شما از انگلیس و مساعدت زمانداران عالیه امور شما با آنها است.

ایا وقت آن نرسیده که دموکراسی برپه بریطانی مجیل را لغت کند که دیگر فدای براه نذیر و حرص جهانگیرانه او نخواهد شد. آیا موقع آن نیست که با اینها لگت و بهراسی نموده نگذارید که این دشمن انانیت یک ملک قدیم را بظاهر با دست تمام خود و بارزوهایی دیرینه خود بمساعدت شما نابال آید.

ما چند بایه انگلیس از غفلت جهالت و بیخبری ما و شما استفاده کند؟ تاکی باید ساکنین گره اقرابانی طمع و از خود نماید؟ تا چه اندازه باید کور کورانه و جاهلانیه است خدارانه او را تقویت کنید؟

نامه حد باید سهوده خود را فدای بیادت و مالک الترفاتی نراند (انگلو ساکس) نماید؟ آیا وظیفه شما نیست که امروزه با وضوح

خیالات و دور وئی او خون جوانان رشید شما را ازین خصم آدمیت تقاص کنید؟ آیا قرض شما نیست که خرابیهایی بهت آور ملکات شما و ممالک دیگر را که مظلومان بافادین و چار خرابی شده تلافی کنند؟ آیا حق شما نیست که بعد از کشف نیات انگلیس و عملیاتش با ارتحلیه ایران و جهت نظامیان خود مساعدت کرده تا ما هم دست تطاول و ظلم بریطانی را کوتاه نماییم؟

دیکر چه تاملی! وقتی شما مدام و مساعدت خواهید کرد که موقع گذشته انگلیس با جراسی خیالات خود موفق گشته هم ما و هم شما گرفتار افسوس خواهیم شد.

تمام انتظارات ما تمام امید داریهای ما فعلا بشما لگت نجیب با شرافت است که نمیگاید با وعده های صمیمانه داده اید بزودی بمهد خود وفا نموده نه تنها تحلیه ایران و دولت قشون خود بلکه با هر گونه مساعدت و صمیمیتی که در خور مردمان بی تزویر صحیح العمل با شرف است ما را مساعدت کرده تا خانه مورد وئی خود را از تعرض و حق شکنیهای انگلیس محفوظ داشته و از قید تجاوز و اذیت این ملت مودسی متجاوز رحمت باشیم انتهى

اداره جریده شریفه جنگل تلگراف نیل را که از طرف هیئت اتحاد اسلام بطهران مجاز شد در آن جریده هجج فرمائید.

تلگراف

توسط حضرتین اشرف آقای مستوفی الممالک آقای مصدق التلگراف نخبیاری آستان مقدس حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانه .

مکرمه برای اصلاح امور و عطف توجیه بوفات اوضاع کنونی بخاکهای مبارک و مینت دولت کسب و تلگراف تجارت متاخرانه تاکنون جواب مینماید و اثر بهبودی در اوضاع ندیده اوضاع جاگد از مملکت و کسب و کسب رسته انظام امور برض نیرسد یا سر بر سلطنت را خائنین بطوری احاط کرده اند که ذات مقدس ملوکانه از خیال اصلاح منصرف داشته اند .

ذات مقدس شاهانه را مستحضر نماید که با تحت قدیم ایران و سلطنت شخص اعلیحضرت با زیره انگلیس و خیانت کاران داخلی گشته بدنی است . علاوه بر این مداخلات حق شکنانه پلیس حزب تشکیل متعاقب آن پلیس غرب چندی دیگر لا بد از پلیس شمال و شرق تأسیس بالاخره کام ایران گرفتار استیلای اجانب میگردد .

دولت علیه در مقابل این حادثات عظیمه که با قضیه مربوط به تمام سلطنت عظمی نیست توجیهی نمیباشد مالتی مملکت که در شرح رعیت بیچاره است صرف مشتملات مثنی بدخواهان ، شهر با حاکم با طر حکام جور مرکز ملوک از خائنین زمام امور در کف به کاران و کارکنان اجانب ، ابناء مملکت بر شدت قحط و غلظت و غلظت بملکت ، آذوقه آنها بادست بزرگان ایران در انبارهای خارجی توفیق انجانات و کلا با آنهمه در امر ملوکده شاهانه توفیق

عموم ملت بلا تکلیف میدانند تبعه کدام دولت اولیای امور با آنهمه خرابیهای حید و حصر در چه خیال معلوم نیست کابینه های وزیران از اشخاص وطن فروشان میل اجانب تشکیل اگر از غنا و صلاح انجا شوند بهزاران نیزنگ مستغنی و منزه می باین ترتیب کابینه جدید که پرده جدیدی است بر اعضایت اعضا افاسده اش بیاست و حرمان همگی افزوده برای تجاوات انگلیس و توقف نظامیان اجانب و غارتگری معذبان و افلک و تجرمی خائنین تجاسر کار بجان و کار و باستخوان رسیده پیاژه صبر معلوم لبر بر طاقت تحمل و توانا سلوب بناچارند ائیمان بنام ملت سنگس ایران از خاکهای مبارک استند تا بکنیم از طرف ذات مقدس شاهانه برای تفریق خائنین مرکز و اصلاح امور و اقتضای دارالشوری و تقسیم قطعی دولت علیه در مقابل تجاوات حق شکنان انگلیس و تعدیات دیگر اقدام عاجل فرموده که جلوگیری از این حوادث خانه برانداز شود و در آن که غیر از حفظ اسلام و استقلال وطن غیر از حکام مشروطیت مقصودی نداشته با اتفاق سایر علما مندان باین آب و خاک لزوما بلامقیدی باقی نماند اگر چه بقایای تمام افراد فدائیان و اسارت اهل و عیال باشد برای اصلاح امور و ادای وظیفه شاهپرستی و بقای تاج و تخت اعلیحضرت شاهنشاهی در رفع استیلای اجبار اقدام که مرگ با شرف باین زندگانی آمیخته با هزاران وفات و نجات بر صبح داده میشود

بقاییت دیانت حق محمدیه قسم خائنین

داخلی تحریک جانب میخوانند نام نیک علیخیزت  
را لکه دار کرده دولت و ملت ایران را بودی  
فاسوق داده و ملل دیگر را مشبه کنند که سیلان  
قاجاریه تمامه مانع ترقیات ایران بوده هستند.  
بیت اتحاد اسلام گیلان

مسئله از راق گیلان

اداره بلدیته که بریاست آقای حاج میرزا خلیل  
و عضویت آقای میرزا محمد علی خان سربازاری و  
آقا میرزا ابراهیم نعمت زاده تشکیل گردیده  
و اقدام جدی که در امر نواقل و از راق عمومی و  
عمل برنج برای آذوقه ولایات داخله ایران  
که بشدت گرفتار محلی هستند ما را امیدوار میکند  
که گیلان بعد با دارایی بلدیته قانونی و لطیفه  
شناس خواهد شد بزودی آنچه را که تکلفه نام  
مینامند

باید

تکلیف تمام ادارات مخصوصا اداره مالیه  
و عموم اهالی است که از هر جهت باین اداره که  
تا اکنون اعضایش بصحت عمل و دورتی معترفی  
ند اند تشویق و همراهی نموده ما آنها هم بفرات  
خاطر بدون تصادف با اشکالات و مخدوم تیکه  
غالبا بی ربط و بیهوده برای سده طرق تطبیقات  
و اصلاحات تولید می شود مشغول انجام امور است  
لازمه قانونی خود گردند و مردم را از حیث  
تسهیل امر از راق و نظیف شهر و سایر لوازم  
و ضروریات آسوده نمایند.

ما این انتخاب را با معلوماتی که بنکی اعضایش  
داریم حسن انتخاب دانسته بخود و اهالی گیلان  
ببرکت میگوئیم.

امید داریم که اعضا اداره بلدیته هم تا آخرین  
دقیقه از دقایق تصدی و ناموریت خود صحت  
و نیکو کاری را وجه و شعار خویش قرار داده  
اطمینان ما و عموم را همه وقت نمیکند و در ستاری  
خود باقی و ثابت نگه دارند.

اخطار اداری

مشترکین محترم رشت را اعلام می شود که تا نیک  
وجه اشراک را سپرداخته اند در ریسته هلاک و بنده  
با قاضی میرزا جعفر حسن زاده رنجانی وکیل جدید  
جنگل سپرداخته و قبض دریافت دارند.  
انتخابیکه وجه اشراک را سابقا سپرداخته و  
قبض قدیم در دست دارند ایشان نیز قبض  
خویش را با قاضی میرزا جعفر معاوضه قبض جدید نمایند  
مشترکین محترم ولایات هم وجه اشراک را راها  
بموتلطبت با اداره ارسال نمایند که بعد از  
رسید برای ایشان قبض داده شود.

حق را نباید با میمال کرد

جریده شیرفد آموزگار را متوجه میکنیم که در نشر اخبار شهری  
غیره ملاحظه حبت و قبض اشخاص را ننموده برای داور بعضی  
دیگر بدون استحقاق اثبات مجوز نمایند مخاطب السلطان  
خیانت کرد فزوه محترم دموکرات رشت شفاعت کردند  
اتحاد اسلام برای شفاعت آن فزوه محترم و ملاحظه شنوات  
مدلت از مجازاتش صرف نظر نمودند مگر با حصول گری  
دولت بیست و هشت روز بر بود بیچیک از داور و ذوق نبوده خط  
نمایند بیت اتحاد اسلام با استحصاری و اتفاق آقای کارگزار  
این مسئله را به دن اینکه بخوبی فساد کلی شود خاتمه دادند  
بهترین است کارکنان اداره آموزگار را زیننده را مانع کردند  
که در مطالب عاری از حقیقت و مخط صحت قلم را جولان ندید

ادبیات گیلکی

ای کله مردن ویریزید ترید از توت و تفنگ  
 برچه شما دارید بارید از بیل دگر باز و کلنگ  
 ریشه جانم نازم باشید اگر نارید و اس و بر  
 تویش ناره شمارا فادیم تفنگ و موز و فیکت  
 داید حره شمارا کویم باشید همه با اسلحه  
 تا که ایجا بدویم انگلیه تا بفرنگ  
 دشمن ایرانیان تکیل بد اطمین خوب  
 بازگی زاندره در مغرب ایران بوزنگ  
 ایرانیان بی حسته بیره بزر اسلحه  
 یابزور و یاکه بپول یا بخریف پوچ و جنگ  
 امه بزر گاهیم همه اعیان و اشرف و وزیر  
 گویا که سر بر ایند نجواب نامت و ملک  
 معلوم به ائمه دولت امیره نخواه کار کردن  
 پس اما چره چه دوس بدیم امه ناموس و قانیک  
 پس بایند ائی جان برار اما کنیم اتفاق  
 بلکه آینه سوره آما بگو بپیم آخر جنگ  
 اگر اما حرف نزنیم تا خو کاره خوب میدینه  
 خیال کینه ایز طمع آما همه کوریم و جنگ  
 پس بایند محبت کنیم توب و تفنگه اویم  
 هر جا بدیده ایم بکشیم باقی بترانیم جنگ  
 چسند بزند  
 اعوذ بالله من الشیطان الرجیم  
 بوجب رپورت های متواتره که آژانس پیاده عت  
 باعث میفرستد .  
 طاقتهای بی درنی بعضی از مدیران جراید را  
 با حضرت اشرف پهلای اعظم در زرکنده و

مجالس خصوصی «چال بزر» شرح میدهد و حواله  
 های اواده طومانیانس را خصوصاً در ۲۵ محرم  
 ذکر میکنند و پولی را که برادر یکی از مدیران جراید  
 بدون درنگ وصول و بصدوق تحویل  
 داد که منافع (وطن) حفظ شود میکارند  
 رفته رفته بعضی از مدیران را هم بطبع آمده است

احتمال دارد اغلب اربابان جراید از ایالات  
 و ولایات حتی از جنگل بمرکز رها شوند البته  
 هر که شیرینی فرود شد مشتری بروی بچو شد

آمار ادنی  
 نظر کنیک از طایفه خرنگی تاب  
 مالکیها که خدا گشتمان کرده از خون انسان  
 تغذیه کنیم و در فعل و کرمسان جنس بشریت  
 وزندگانی نایم تا کشته شویم  
 از خلقت طبعی خود شاکلی نیستیم که چرا بشت  
 و سرنوشت ما را طبیعت بر این روش پرورش  
 نموده یا تولید شدیم .

ولی از تلون این طایفه خرنگی تاب آما تاو  
 ذکورا متعجبیم که این آقایان محترم بر خلاف سایر  
 ابناء زمان دارای ملک مستقیم نیستند هر چه  
 هوای نفس برستی و شهوت رانی تغییر ملک  
 داده با حیوانات با برحمت میاندازند مثلاً  
 زمان گذشته لباس فرم رویه را رد و آستین  
 تنگ و شیک میپوشیدند و سایر مردم را هم  
 دعوت کرده هر کس باین فرم لباس نمیشد مورد  
 سزانش و طلامت واقع میکردند  
 با چاره کبک با از فضای لباسهای ایرا

و استنطاق هوای لطیف محروم داشته و محبت تمام آن تنگی لباس روسی را بر خود هموار کرده در هوای کثیف خود کردیم اما زستان امسال بلیقه طایفه فرنگی تاب البسه روسی مذمت گفته شده انگلیسی را برقرار داده اند انگلیسیها مخصوصا شوارزادین گشاد و سایر البسه را برای آسایش اعضا، کلیه فراخ بوی میفرمایند آقایان هم پرو انگلیس شده اند شروع پوشیدن و مشغول نمایش دادن اند ما به نیت لیکها که تازه عادت به تنگ لباسها روسی نموده بودیم امسال باید از فراخی لباسها انگلیس را از سر برای تقریح و نفس پرستی این طایفه فرنگی تاب در رحمت ما ششم خداوند ما حیوانات را از نفس پرستی نوع بشر محفوظ دارد هنوز نظم لیکها با تمام نرسیده که بشه تضعیف آبی کشید و گفت ناشکری نکنید و معین رویه که سلوک کردید آرام باشید مبادا خدا نکرده ورق برگردد در ایام بهار این طایفه متکون بفرمی دیگر بیرون آیند بقیه دارد توضیح بمقصود از (طایفه) فرنگی تاب طایفه حاجی بیخ نیت بکسی بر نخورد

تخته کتفراش

از طهران را بورت میدهند که اشخاص ذیل خیال دارند بر ضد محکومین کتفراشی تهیه نمایند حضرت اقدس کامران میرزا، آقای عین الدوله شاهزاده نصرت الدوله، حضرت ولایت الدوله آقای حاج ناصر السلطنه، سردار کل، سردار منظم خراسان، بن الملک، سید بحرینی، منجم باشی طبرانی

از قرار اطلاعات واصله آقایان فوق از حیث امر معاش سختی میکند رانند اگر از طرف دولت باشن همراهی نشود احتمال دارد خود و بستگان از گریز تلف کردند.

ما مور را ملاحظه

در یکی از روزهای شهر محترم یک باطالیون از نظمت که مرکب از یک صاحب منصب و دو تابعین باشد در طلب بخت اشغال انبار گندم بطرف منزل آقای فرمانفرما هجوم میآوردند آقای نصرة الدوله بیریق سفید کشیده دم از صلح میزند صاحب منصب مذکور در عمارت شمالی باغ که منزل خصوصی شاهزاده نصرة الدوله است ورود کرده بعد از ملاقات دوستانه یک نطق عذرائی آقای سالار کسر صرف نظر از بیاروگان انبار نموده مراجعت میکند.

ان شاء الله سبب زها بیت و آسایش عمومی همین قسم فراهم خواهد شد البته صلح بهتر از جنگ است سرزنش تلگرافانی

اعلیحضرت محمد علی میرزا مخاطب السلطان را تلگرافاً مخاطب ساخته و ملامت نموده است که مگر نشیند من در خود در وسیله امنیت ندارم و بوالا حضرت ولیعهد تلگرافانی مخابره نموده ام که بسرحدات این اغوام دارند در این صورت شما چرا مسالوات و توافق روس را باسم حفاظت پدار الحکومت رشت احضار کردهید.

آقای مخاطب السلطان در جواب عرض کرد آری و هوای ایران غیر از روسیه است بعلاوه موافق حفظ الصحة و دستوراتا عموجانم حاج حکیم باشی رفتار کردم شاید صدق من قبول انگلیس است